

## ۱. مقدمه

© ایده بانکداری و تأمین مالی اسلامی که نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، بر یک اصل کلی استوار است و آن تحریم ربایست. در واقع، شارع مقدس اسلام به روشنی، معاملات ربوی را در آیات و روایات بسیار نفی می‌کند. حال سؤال این است که آیا نظام بانکداری اسلامی که بر مبنای حرمت ربا و برخی اصول دیگر بنا نهاده شده است، دارای مزیت‌های مادی و اقتصادی در سطح کلان نیز می‌باشد؟ پاسخ به این سؤال در دوره اخیر اهمیت دو چندانی یافته است. علت این امر نیز بحران‌هایی است که نظام اقتصاد متعارف به‌صورت فزاینده‌ای

به‌همراه دارند. همچنین باید گفت هر چه فهم افراد از منافع اقتصادی، اجتناب از بهره بیش‌تر باشد، توانایی‌شان در حفظ این منافع و اجرای بانکداری اسلامی، به‌گونه‌ای که منافع مذکور حفظ شود، بیش‌تر خواهد بود (چپرا، ۲۰۰۷، ص ۱۴).

با توجه به آنچه مطرح شد، این مقاله به‌صورت نظری، بر روی یکی از منافع اقتصادی مورد انتظار از حذف بهره بانکی در نظام اقتصادی، تمرکز می‌کند. در واقع این مقاله تلاش می‌کند تا نشان دهد که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف با ثبات‌تر است و از این‌رو، زمینه‌های کم‌تری برای ایجاد بحران‌های مالی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت در چارچوب بانکداری اسلامی که به‌جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای و عقد قرض‌الحسنه استفاده می‌شود و اصول کلی خاصی مانند نفی ربا، نفی غرر، نفی اکل مال به باطل و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد، به دلایل مختلف ثبات اقتصادی بیش‌تری مورد انتظار است. در ادامه، ابتدا به

نظام بانکداری اسلامی، بسیار دارای اهمیت است و لازم است تجربه کشور ایران و (سایر کشورها) در استفاده از عقود مشارکتی و مبادله‌ای در ذیل قانون بانکداری بدون بهره مورد بررسی قرار گیرد، لیکن بررسی مزیت‌های نظری این نظام نیز به همان میزان مهم بوده و لازم است به مباحث و مدل‌سازی‌های نظری در نظام بانکداری و تأمین مالی اسلامی، همانند نظام متعارف، توجهی ویژه شود. مسلماً هرچه درک افراد از توانمندی‌ها و مزیت‌های نظام بانکداری اسلامی در حوزه نظر قوی‌تر باشد، بهتر می‌توانند این منافع را در حوزه عمل جست‌وجو کنند.

در رابطه با مباحث مفهومی مرتبط با مزیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه نظام بانکداری اسلامی، پژوهش‌هایی توسط پژوهشگران این حوزه انجام شده است. در این قسمت به عنوان نمونه به مواردی از این دست اشاره می‌شود:

الجراحی به‌صورت محدود، به دو بحث کارایی و عدالت اشاره می‌کند. در رابطه با کارایی بیان

# نقش نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات مالی در سطح کلان

دکتر حسین عیوضلو / حسین میسمی



می‌کند که در نظام اسلامی، به دلیل استفاده از عقود مشارکتی و مبادله‌ای، دیگر لازم نیست وقت خود را صرف پیدا کردن راهی برای صفر کردن نرخ بهره کنیم؛ بحثی که به عنوان شرطی سخت برای تخصیص بهینه منابع در نظام بانکداری ربوی مطرح می‌شود. وی در رابطه با ثبات نسبی، به‌صورت مختصر به بحث سفته‌بازی، عدم همزمانی تعهدات بانک با دریافتی‌ها و بی‌ثباتی‌های مالی ناشی از ایجاد بازارهای دین می‌پردازد (الجراحی، ۲۰۰۲، ص ۱۰).

صدیقی مباحث نظری مرتبط با توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را تحت عنوان «حکمت تحریم ربا» بررسی می‌کند. وی پس از ارائه نکاتی، به این نتیجه می‌رسد که نظام بانکداری اسلامی نه‌تنها کارایی بیش‌تری را نوید می‌دهد، بلکه عدالت و رشد بیش‌تری را نیز به همراه دارد. در واقع هدف اصلی صدیقی آن است که نشان دهد اطاعت از فرمان الهی در باب تحریم ربا، نه‌تنها دارای اجر اخروی است، بلکه در همین دنیا نیز اثراتی مادی، که همان دستیابی به نظام اقتصادی سالم است، را به همراه دارد. وی از این مورد به حکمت تحریم

بررسی برخی از پژوهش‌های موجود در زمینه نقش بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات اقتصادی پرداخته و پس از آن، به برخی از مؤلفه‌های بانکداری اسلامی که می‌توانند به ایجاد ثبات اقتصادی بینجامند، اشاره می‌شود.

## ۲. مروری بر ادبیات تحقیق

جستاری در ادبیات بانکداری و تأمین مالی اسلامی نشان می‌دهد که بررسی مزیت‌های این نظام، در مقایسه با نظام بانکداری متعارف، از زمان پیدایش بانکداری اسلامی مورد توجه پژوهشگران بوده است. از این‌رو، پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با ویژگی‌ها و مزیت‌های این نظام انجام شده است. این پژوهش‌ها که تا به حال به مسائل و مشکلاتی که بانکداری اسلامی در عمل با آن مواجه بوده است، پرداخته‌اند، خود شامل مباحث فقهی، قانونی، ابزارسازی، اجرایی و غیره است (توتونچیان، ۱۳۷۹، صص ۷۷۷-۸۰۲؛ اقبال، ۱۳۸۷؛ موسویان، ۱۳۸۳؛ مجتهد، ۱۳۸۴؛ کیقبادی، ۱۳۸۷؛ نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۸).

گرچه بررسی مباحث کاربردی و اجرایی در

با آن مواجه شده است؛ جدیدترین آنها بحران اعتباری در بخش مسکن اقتصاد آمریکا است که در سال ۲۰۰۸ به وقوع پیوست و گستردگی بسیار درخور توجهی داشت. بحران اخیر، فرصتی مناسب برای فعالان حوزه بانکداری اسلامی به وجود آورده است تا بتوانند توانمندی‌های اقتصادی مورد انتظار از نظام بانکداری اسلامی را مورد ارزیابی مجدد و دقیق‌تر قرار دهند (اقبال، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

البته، لازم است توجه شود که گرچه التزام فرد مسلمان به اطاعت از پروردگار (در کلیه احکام به‌صورت عام، و در مباحث اقتصادی مانند حرمت ربا، به‌طور خاص) مشروط به فهم حکمت دستورات الهی نیست، لیکن، چنین فهمی اگر نتواند انجام شود، پسندیده و مطلوب خواهد بود؛ زیرا فهم حکمت احکام، پذیرش آنها را ساده‌تر کرده است و در تطبیق اصول کلی در موقعیت‌های خاص، کمک می‌کند. این بحث به‌ویژه در مورد دستورات الهی مرتبط با مباحث مادی صحیح است؛ کما اینکه در حوزه معاملات در فقه اسلامی، به نظر می‌رسد حکمت نهفته در قوانین و دستورات الهی، منافی است که این دستورات برای زندگی مادی بشر

ر با تعبیر می‌کند (صدیقی، ۲۰۰۲، صص ۹-۱۲؛ ۱۳۸۹، صص ۳۳-۴۳).

چپرا، با اشاره به مباحث تاریخی مرتبط با موضوع بهره و ربا، به بررسی مفهومی و علت‌یابی چالش‌های نظام بانکداری اسلامی می‌پردازد. او این کار را در چارچوبی مقایسه‌ای بین دو نظام اسلامی و متعارف، بر اساس شاخص‌هایی چون ثبات و کارایی، انجام می‌دهد (چپرا، ۲۰۰۷، صص ۲۵-۳۵).

توتونچیان علت اصلی بی‌ثباتی در نظام بانکداری متعارف را وجود بهره در این نظام می‌داند و معتقد است حذف بهره از اقتصاد، فواید فراوانی به بار خواهد آورد. از دیدگاه او، توجیه‌های متنوع و مکرر اقتصاددانان غربی در مورد بهره، یکی پس از دیگری و در فواصل زمانی کوتاه و عدم توانایی آنان در پیدا کردن علت اساسی عدم تعادل‌های اقتصاد سرمایه‌داری، نشان دهنده وجود تضاد و تناقض درونی در این نظام است (توتونچیان، ۱۳۷۹، صص ۵۴۶-۵۶۹).

موسویان به صورت مختصر، بر روی مزیت‌های استفاده از عقود مشارکتی (که خود گروهی خاص از عقود اسلامی‌اند) تمرکز می‌کند. وی نشان می‌دهد که جایگزینی نظام مشارکت بر متغیرهایی همچون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال اثر دارد و ثبات بیشتری ایجاد می‌کند. همچنین بیان می‌کند که در نظام اسلامی، دوره‌های رونق و رکود هر دو ملایم‌تر است و از این‌رو، ثبات بیشتر خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۸).

جمالیان به ریسک کم‌تری که بانکداری اسلامی با آن مواجه است، اشاره می‌کند و آن را به عنوان بعد خاصی از ثبات در نظام بانکداری اسلامی برمی‌شمارد. در تحقیق وی چهار ریسک اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از: ریسک نرخ بهره، نقدپذیری، اعتبار و بازار. وی بعد از ارائه تحلیلی مفصل، نشان می‌دهد که نظام بانکداری اسلامی در کل و با در نظر گرفتن چهار مورد مذکور، با ریسک کم‌تری مواجه است (جمالیان، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان به این نتیجه رسید که گرچه در ادبیات موجود تأمین مالی اسلامی، موضوع مزیت‌ها و نتایج اقتصادی استفاده از نظام بانکداری اسلامی، مورد بحث قرار گرفته است، لیکن هنوز به‌طور مستقل به بحث ثبات اقتصادی در سطح کلان و نقشی که بانکداری اسلامی در این زمینه می‌تواند ایفا کند، به طور کامل و مستقل توجه نشده است. با توجه به این مطلب، پژوهش حاضر، به مسأله نقش بانکداری اسلامی در ثبات مالی می‌پردازد. در ادامه، برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های موجود در نظام بانکداری اسلامی که باعث می‌شود این نظام از ثبات اقتصادی بیشتری برخوردار شود و در نتیجه، به میزان کم‌تری در معرض بحران‌های مالی قرار گیرد، برجسته می‌شود.

### ۳. بانکداری اسلامی و ثبات مالی

بر خلاف نظام متعارف که بر بهره با نرخ ثابت و ایجاد دین تمرکز دارد، نظام بانکداری اسلامی از عقود اسلامی و شرعی در تجهیز منابع از سپرده‌گذاران و

همچنین تخصیص منابع به سرمایه‌گذاران استفاده می‌کند. می‌توان عقود مذکور را در چهار گروه کلی تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از: عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت، عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر، و عقد قرض‌الحسنه. سه مورد اول، معمولاً مخصوص تسهیلات تولیدی و یا تجاری بوده و مورد آخر، غالباً مربوط به تسهیلات مصرفی می‌باشد. در زیر به بیان هر یک از این موارد پرداخته می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، صص ۱۷۵):

– **عقود مشارکتی:** در این عقود، مؤسسه مالی اسلامی، تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز را به منظور انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) تأمین می‌کند و در پایان و بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌شود. این عقود در نظام بانکداری بدون ربا عبارت‌اند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، و مساقات.

– **عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت:** در این دسته از عقود نیز مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد

نیاز را به منظور انجام فعالیت اقتصادی تأمین می‌کند؛ با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی، سود مؤسسه معلوم و معین است. بنابراین، تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجاد شده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارت‌اند از: فروش اقساطی، خرید دین، و اجاره به شرط تملیک.

– **عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر:** در این عقود نیز مؤسسه، بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز را برای انجام یک فعالیت اقتصادی تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد. حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ ندهد و متحمل زیان نیز بشود. این عقود، شامل دو مورد، یعنی معاملات سلف و جعاله است.

– **قرض‌الحسنه:** در این عقد، مؤسسه مالی اسلامی منابعی را که در اختیار دارد بر اساس عقد قرض‌الحسنه در اختیار خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند.

به نظر می‌رسد که به لحاظ نظری، استفاده از عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) و توجه به مبانی و اصول بانکداری اسلامی، می‌تواند ضمن ایجاد ثبات مالی و اقتصادی، علل زمینه‌ای ایجاد بحران‌های مالی را نیز تاحدی کاهش دهد. در آنچه در ادامه می‌آید، تلاش می‌شود تا ظرفیت بالقوه نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات اقتصادی تبیین شود. به عبارت دیگر، تلاش می‌شود تا نشان داده شود که استفاده صحیح و مناسب از عقود مختلف در نظام بانکداری اسلامی، منجر به تقویت ثبات اقتصادی می‌شود.

### الف. ناهمسازی تعهدات وجوه پرداختی با تعهدات وجوه دریافتی

همان‌طور که گفته شد، یکی از عواملی که در آسیب‌پذیری نظام مالی نقش دارد، ناهمسازی تعهدات وجوه پرداختی با تعهدات وجوه دریافتی است. از آنجا که تأمین مالی بانک‌ها، مؤسسات و نهادهای مالی در نظام مبتنی بر استقراض، منجر به

شکل‌گیری حساب‌های سپرده عندالمطالبه می‌شود، سپرده‌گذاران در هر لحظه می‌توانند تقاضای اخذ وجوه خود را داشته باشند.

به نظر می‌رسد که این مشکل در نظام تأمین مالی اسلامی، در سطح پایین‌تری وجود داشته باشد. چرا که در این نظام، بخشی از عقود به صورت مشارکتی بین سپرده‌گذاران و بانک از یک سو و بین بانک و سرمایه‌گذاران از سوی دیگر منعقد می‌شود. زمانی که بانک در هر دو طرف (تجهیز و تخصیص) از رابطه‌ای مشارکتی استفاده کند، به صورت طبیعی بین تعهدات پرداختی به سپرده‌گذاران (بدهی‌های بانک) و تعهدات دریافتی از سرمایه‌گذاران (دارایی‌های بانک) هم مقداری و هم‌زمانی ایجاد می‌شود و از این‌رو، بانک چندان با چالش عدم تطابق که در بالا گفته شد مواجه نخواهد بود. همچنین در این شرایط، سطح روبرویی بانک، با تهدید ناتوانی در پرداخت دیون نیز کاهش می‌یابد. چرا که در این شرایط، انگیزه سپرده‌گذاران برای هجوم به بانک در شرایطی که اخبار و شایعاتی در رابطه با ضرر کردن مؤسسه در برخی از سرمایه‌گذاری‌هایش وجود داشته باشد، کم‌تر می‌شود. از این‌رو، بخش

عقود مشارکتی در این جا هم محفوظ است. علت این امر، آن است که در این حالت همانند حالت قبل، بانک فقط در صورتی که به سود دست یابد لازم است طبق عقد وکالتی که با سپرده‌گذار دارد سهمش را بپردازد. اما باید اذعان کرد که استفاده از عقود مبادله‌ای در طرف بدهی بانک، منجر می‌شود که ویژگی بانکداری اسلامی در کاهش ناهمسانی مورد بحث کاهش یابد. از طرفی، استفاده از عقد قرض الحسنه در صورتی که مقید به زمان سررسید شود، می‌تواند ویژگی کاهش ناهمسانی را حفظ کند؛ چرا که بر اساس ضوابط عقد قرض الحسنه سررسیددار، قرض دهنده‌ای که با انگیزه اخروی وجوه خود را در اختیار بانک قرار می‌دهد، نمی‌تواند زودتر از سررسید تعیین شده برای برداشت وجوه خود اقدام کند.

### ب. شوک‌های واقعی اقتصاد

یکی از عواملی که به آسیب‌پذیری نظام مالی دامن می‌زند، شوک‌های واقعی اقتصاد است. در واقع در

کم‌تری از سپرده‌گذاران برای بیرون کشیدن وجوه خود هجوم می‌آورند. دلیل این امر، آن است که آن دسته از سپرده‌گذارانی که چنین کاری را انجام می‌دهند، باید به عنوان موکل در عقد وکالت، بخشی از ضرر وارده به بانک (که به عنوان وکیل در عقد وکالت فعالیت می‌کند) را تحمل کنند. اما آن دسته از سپرده‌گذاران که تا پایان یافتن این شرایط بد صبر می‌کنند، می‌توانند امیدوار باشند که بخشی از این ضرر، در آینده و با بهبود سرمایه‌گذاری‌های بانک جبران شود.

همان‌طور که گفته شد، در نظام بانکداری اسلامی علاوه بر عقود مشارکتی، از عقود مبادله‌ای و قرض الحسنه نیز استفاده می‌شود که لازم است تاثیر آن‌ها بر ناهمسانی تعهدات پرداختی و دریافتی، مورد بحث قرار گیرد. به نظر می‌رسد که استفاده از عقود مبادله‌ای در طرف دارایی، تا زمانی که در طرف بدهی و جذب سپرده از عقود وکالتی استفاده شود، تطابق ایجاد شده بین تعهدات پرداختی و دریافتی مؤسسه را برهم نمی‌زند و این ویژگی

### بر اساس ضوابط

### عقد قرض الحسنه

### سررسیددار، قرض

### دهنده‌ای که با انگیزه

### اخروی وجوه خود را

### در اختیار بانک قرار

### می‌دهد، نمی‌تواند

### زودتر از سررسید

### تعیین شده برای

### برداشت وجوه خود

### اقدام کند



نظام متعارف، امکان آن وجود دارد که سود انتظاری بالا رود ولی هزینه تأمین مالی ثابت باقی بماند و لذا، تقاضا برای تأمین مالی افزایش شدید یابد و یا برعکس، سود انتظاری پایین آمده ولی هزینه تأمین مالی ثابت باقی بماند و از این رو، تقاضا برای تأمین مالی کاهش شدید یابد.

اما در نظام تأمین مالی اسلامی، سطح روبرویی با این مشکل پایین تر است. دلیل این امر آن است که استفاده از عقود مشارکتی در این نظام منجر به آن می شود که جهت حرکت هزینه هر واحد سرمایه (سود تخصیص یافته به سپرده گذاران از طرف بانک به عنوان وکیل)، منطبق با جهت حرکت سود سرمایه (سود حاصل از فعالیت اقتصادی دریافت کننده تسهیلات از بانک) شود. چرا که در این نظام، سودها بر اساس تفاهم طرفین و بر مبنای سهم‌الشرکه آنان تعیین می شود. از این رو، در صورت انتظار افزایش سود تحقق یافته، کارفرما (تسهیلات گیرنده) می داند که تمام افزایش های پدید آمده از آن وی نبوده و بخشی از این افزایش سود به صاحبان سرمایه (سپرده گذاران بانک اسلامی) خواهد رسید بنابراین به نوعی هزینه تأمین مالی نیز همراه با افزایش سود، بالا رفته و این امر در مهار افزایش شدید تقاضای تأمین مالی از سوی کارفرمایان در شرایط رونق اقتصادی مؤثر است. همچنین در صورت کاهش سودهای انتظاری، کارفرما می داند که در صورت تحقق انتظارات، بخشی از این کاهش را صاحب سرمایه متحمل می شود. بنابراین هزینه تأمین مالی همراه با کاهش سود، کاهش یافته و نظام مالی، دیگر شاهد کاهش شدید تقاضای مالی از سوی کارفرمایان در دوران رکود اقتصادی نخواهد بود. نتیجه این رویداد، به وجود نیامدن افزایش و کاهش شدید در تقاضای تأمین مالی در پی شوک های اقتصادی و تغییر سودهای انتظاری است که این عامل خود بر کاهش آسیب پذیری نظام مالی می افزاید (چیشتی، ۱۹۸۵).

به نظر می رسد این بخش نیز استفاده از عقود مبادله ای چه در سمت دارایی و چه در سمت بدهی، به ایجاد چنین مزیتی منجر نمی شود. دلیل این امر بر اساس تعریف، آن است که نرخ سود در این دسته از عقود، ثابت بوده و پس از عقد قرارداد و بر اثر تغییر شرایط اقتصادی (رکود و رونق) دستخوش تغییر نمی شود. از این رو در عقود مبادله ای، برخلاف عقود مشارکتی، امکان ایجاد تغییرات متناسب در هزینه سرمایه بر اثر تغییر در پیش بینی ها، انتظارات و چشم اندازهای سوددهی سرمایه گذاری وجود نخواهد داشت.

### ج. گسترش سفته بازی و تقویت بخش غیر واقعی اقتصاد

یکی دیگر از عوامل ایجاد بی ثباتی عامل دیگری که در بخش های قبل برای آسیب پذیری نظام مالی مورد شناسایی قرار گرفت، گسترش سفته بازی و بزرگ شدن بخش غیر واقعی اقتصاد بود. به نظر می رسد در نظام بانکداری اسلامی میزان روبرویی با این مشکل در سطح پایین تری باشد. دلیل این

امر آن است که هم در عقود مشارکتی و هم در عقود مبادله ای وجود ارتباط وثیق بین بخش پولی و بخش واقعی مورد تأکید کامل بوده و به هیچ عنوان بخش بانکی نمی تواند جدای از بخش واقعی رشد یابد و گسترده شود، به عبارت دیگر جوهره اصلی و یکی از نقاط افتراق کلیدی بین نظام بانکداری اسلامی و متعارف، ارتباط تمامی معاملات و فعالیت های نظام بانکداری اسلامی با بخش واقعی اقتصاد است (عیوضلو، ۱۳۸۷، ۱۲-۱۴).

از این رو گرچه اصل سفته بازی در اقتصاد اسلامی نمی تواند نفی شود و اجرای صحیح آن پذیرفته شده است، اما همان طور که برخی محققین به درستی مطرح کرده اند، باید بین دو نوع سفته بازی تفاوت قائل شد. اول سفته بازی صحیح و مثبت که در بانکداری اسلامی نیز بر روی نرخ تنزیل، سودهای انتظاری و حتی نرخ های مراهبه انجام می شود و به نوعی پدیده ای ذاتی در اقتصاد به شمار می آید و در تعامل کامل با بخش واقعی قرار دارد. اما نوع دوم سفته بازی که می توان آن را

#### تعهدات در نظام

#### بانکداری اسلامی،

#### دوره بلندمدت تری

#### نسبت به نظام

#### متعارف (عقد قرض)

#### دارند و واکنش آنها

#### به تغییرات نرخ بهره

#### کم تر از نظام متعارف

#### می باشد

سفته بازی قمارگونه دانست که در بخش غیر واقعی اقتصاد به وجود آمده و در یک گذر زمانی، خود به حجیم شدن این بخش در اقتصاد منجر می شود (صدیقی، ۱۳۸۹، صص ۱۹۵-۱۹۷؛ میرآخور، ۱۹۹۵، صص ۴۲-۴۴).

### د. تحرک زیاد سرمایه و عدم وجود تعهد بلندمدت

یکی از ویژگی های نظام بانکداری متعارف، تحرک نسبتاً کامل سرمایه و نبود تعهد بلندمدت است که گسترش روزافزون ابزارهای ارتباطی جدید مانند شبکه جهانی اینترنت، به آن دامن زده است. از این رو، تفاوت اندک در نرخ های بهره در داخل کشورها و در بین کشورهای مختلف، باعث تحرک چشمگیر سرمایه ها شده و بازار مالی با هر تغییر کوچکی در نرخ بهره با خطراتی از ناحیه افزایش و کاهش عرضه منابع مالی مواجه می شود.

اما به نظر می رسد در نظام بانکداری اسلامی، این مشکل تا این سطح قابل توجه نباشد، زیرا در عقود مشارکتی بر اساس ماهیتی که دارند، طرفین قرارداد در طرح اقتصادی وارد می شوند و نسبت به آن متعهد می باشند. از این رو با ایجاد تغییراتی در اقتصاد و یا پیداشدن فرصت های سوددهی بهتر، نمی توان این روابط را کنار گذاشت و وجوه را به سایر طرح های اقتصادی پرسودتر منتقل کرد. همچنین در عقود مبادله ای نیز گرچه تعهدات معمولاً میان مدت و کوتاه مدت است، اما به هر حال طرفین بر اساس ضوابط مطرح در فقه اسلامی در رابطه با عقود مبادله ای، تعهدات مشخصی بر عهده دارند و نمی توانند از تأمین این تعهدات شانه خالی کنند. بنابراین در دوره های کوتاه مدت، تغییرات نرخ بهره نمی تواند بازار مالی را دچار نوسان های شدید کند، زیرا تعهدات در نظام بانکداری اسلامی (در مجموع عقود مبادله ای و مشارکتی)، دوره بلندمدت تری نسبت به نظام متعارف (عقد قرض) دارند و واکنش آنها به تغییرات نرخ بهره کم تر از نظام متعارف می باشد (زرقا، ۱۹۸۳، ص ۲۴).

### ر. عدم شفافیت، نظارت و کنترل

یکی دیگر از عواملی که می تواند آسیب پذیری نظام مالی را به همراه داشته باشد، عدم شفافیت و نظارت بر فعالیت های اقتصادی می باشد. در واقع، در نظام استقراض بر پایه نرخ بهره ثابت، رابطه فرد سپرده گذار با مؤسسه تأمین مالی شده، پس از وقوع عقد قطع می شود و فرد بر اساس این عقد نسبت به دریافت اصل و بهره پول خود اطمینان دارد. در این نظام، فرد سپرده گذار فارغ از روند پیشرفت فرایند تولیدی و جریان هزینه - درآمدی مؤسسه تأمین مالی شده و وضعیت واقعی اقتصاد (رونق یا رکود) در سررسید مقرر، سود و بهره پول خود را دریافت می کند. از این رو انگیزه ای برای سپرده گذار جهت نظارت بر فعالیت مؤسسه مذکور وجود ندارد. از طرفی بانک نیز از دریافت اصل و بهره وجوهی که به سرمایه گذاران پرداخت کرده مطمئن بوده

بی‌نوشت‌ها:

- 1- Al-Jarhi  
2 - Siddiqi  
3 - Chapra

۴- لازم است توجه شود که مباحث ارائه شده در این مقاله، در چارچوب مدل بانکداری بدون ربای شیعی و ایرانی (قانون بانکداری بدون ربا) طرح می‌شود. اما می‌دانیم که این الگو، تنها الگوی این نوع بانکداری نیست. بلکه میان الگوهای مختلف بر اساس اختلافات فقهی که بین مذاهب اسلامی وجود دارد، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای نمونه، در حالی که طبق فقه اهل تسنن عقد مضاربه عقدی گسترده و عام می‌باشد، بر اساس فقه شیعه و قانون عملیات بانکی ایران، مضاربه تنها در بخش تخصیص منابع، آن هم برای بخش بازرگانی کاربرد دارد. در واقع در این الگو مضاربه، عقدی محدود است (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۷). همچنین بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، تجهیز منابع بر اساس عقد قرض و یا وکالت انجام می‌شود، در حالی که در سایر الگوهای بانکداری اسلامی، از عقودی چون ودیعه و مضاربه استفاده می‌شود. به هر حال می‌توان مباحث مطرح شده در این مقاله را در قالب دیگر الگوهای بانکداری اسلامی نیز بررسی کرد. واضح است که انجام این کار تغییری اساسی در تحلیل‌های ارائه شده، ایجاد نمی‌کند.

۵- گفتنی است معمولاً در عمل، بازدهی این عقود با اتخاذ تمهیداتی ثابت می‌شود و در واقع، مشابه عقود گروه دوم می‌شوند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). یا توجه به این مطلب، می‌توان گروه دوم و سوم را عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت در نظر گرفت. در این تحقیق نیز منظور از عقود مبادله‌ای، هر دو گروه می‌باشد. ۶- گفتنی است آنچه در این قسمت مورد توجه می‌باشد، متغیر بودن سود در رابطه بین سپرده‌گذاران و بانک و همچنین سرمایه‌گذاران و بانک می‌باشد و لذا نوع رابطه حقوقی و فقهی بانک و سپرده‌گذار و بانک و سرمایه‌گذار در این قسمت مورد تأکید اصلی نیست. اما به هر حال در چارچوب قانون بانکداری بدون ربا می‌توان سازوکار عملیاتی شدن این رابطه را اینگونه تصور کرد که بانک تمامی منابعی که از افراد تجهیز نموده و یا تعهداتی که دارد را به صورت سپرده در حساب‌های سرمایه‌گذاری وکالتی قرار دهد. البته این وکالت بر اساس عقد، به صورتی است که بانک به عنوان وکیل متعددی می‌شود فقط در عقود مشارکتی فعالیت کند. لذا سودی که سپرده‌گذار دریافت می‌کند متغیر است و نمی‌تواند پیش از عقد تعیین شود. همچنین تمامی دارایی‌هایش نیز به صورت سرمایه عرضه شده به کارفرمایان بر مبنای یک عقد مشارکتی، مثل مضاربه است. بنابراین در اینجا هم مقدار واقعی درآمدی که از کارفرمایان به مؤسسه مالی خواهد رسید، متغیر و نامعلوم است. البته در چارچوب بانکداری بدون ربا بر اساس فقه اهل سنت، بانک قادر است در هر دو طرح از عقد مضاربه استفاده کند که اصطلاحاً به این عقد «مضاربه دو طرفه» (Two-Tier Mudaraba) گفته می‌شود.

۷- همان طور که گفتیم، این وکالت به صورتی است که بانک به عنوان وکیل متعددی می‌شود فقط در عقود مشارکتی فعالیت کند. ۸- Chishti

۹- در این زمینه عقد قرض الحسنه چون فاقد هر نوع بازده مادی می‌باشد، نمی‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در واقع این عقد بر روی ایجاد تغییرات متناسب در هزینه سرمایه متناسب با تغییر سوددهی سرمایه‌گذاری اثری ندارد.

۱۰- دکتر محمد نجات‌الله صدیقی در کتاب خود با عنوان «ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام» بیان می‌دارد که: «وجود وام‌های کوتاه‌مدت بهره‌محور، بخش عمده‌ای از مشکلات

بین‌المللی مالی مانند موردی را که جهان در اواخر دهه ۹۰ شاهد آن بود، سبب می‌شود؛ وام‌هایی که سریعاً نقش پول داغ را به خود گرفته و همچون پرده‌ای به منظور کسب سود نهایی به دور این کره خاکی پرواز می‌کنند» (صدیقی، ۱۳۸۹، ص ۷۵).

11- Zarqa

۱۲- به عنوان نمونه در عقد وکالت در طرف بدهی، بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران وجوه را جمع‌آوری نموده و طبیعتاً این حق برای سپرده‌گذاران باقی است که بر عملکرد وکیل خود نظارت کاملی داشته باشند.

۱۳- منظور از غرر در معاملات، هر نوع ریسکی است که از قرارداد (و نه نتایج آن) نشأت بگیرد و قاعده نفی غرر در بانکداری اسلامی بدان معنا می‌باشد که نباید چهل در قرارداد وجود داشته باشد (البته به دقت عرفی)؛ این قاعده کاربرد زیادی در مالیه اسلامی داشته، به‌بالا رفتن شفافیت معاملات مالی انجامیده و از توسعه بیش از اندازه بخش پولی و اعتباری (که خود یکی از علل بحران است) جلوگیری می‌کند. به عنوان نمونه، برخی از محققین نشان داده‌اند که نوع متعارف قرارداد سواب نکول اعتباری که به طور گسترده در بازار مالی کشورهای غربی کاربرد دارد، غرری بوده و تنها با اصلاحات اساسی در چارچوب بانکداری اسلامی قابل استفاده می‌باشد (موسویان و موسوی بیوکی، ۱۳۸۹، ص ۲۱).

14- Herding Behavior

منابع و مآخذ:

فارسی:

۱. اقبال، منور. (۱۳۸۷). چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی. (حسین میسمی و مسلم بمانیور، مترجمین). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲. توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: انتشارات توانگران.
۳. صدیقی، محمد نجات‌الله. (۱۳۸۹). ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام. (حسین میسمی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۴. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین. (۱۳۸۸). ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱.
۵. عیوضلو، حسین. (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹.
۶. کیقبادی، سعید. (۱۳۷۸). نقدی بر ابزارهای پولی در بانکداری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۷. موسویان و موسوی بیوکی. (۱۳۸۹). بررسی امکان استفاده از سواب بازده کل جهت مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی. نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۷.
۸. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۱). طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۷.
۹. میرآخور، عباس. (۱۳۷۲). مقالاتی در اقتصاد اسلامی. مؤسسه بانکداری ایران.
۱۰. نصرآبادی، داوود و شعبانی، احمد. (۱۳۸۷). چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود زیان و راهکارهای آن. نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

انگلیسی:

1. Aghion, Philippe., Bacchetta, Philippe & Abhijit, Banerjee. (2001). Currency Crises and Monetary Policy in an Economy with Credit Constraints. European Economic Review, 45 (7).

و از این نظر دلیلی برای نظارت دائم بر پروژه تأمین مالی شده نمی‌یابد (هر چند در رابطه با فرد دریافت‌کننده تأمین مالی و قدرت بازپرداخت وی نگران است).

به نظر می‌رسد در نظام بانکداری اسلامی سطح رویارویی با این مشکل نیز کم‌تر است. دلیل این امر آن است که در ضوابط و چارچوب‌های نظام بانکداری اسلامی محورهایی وجود دارد که خود به خود به افزایش و تقویت نظارت بر نظام بانکی منجر شده و شفافیت را نیز بهبود می‌بخشد. به عنوان نمونه قاعده نفی غرر که به عنوان یکی از مبانی تأمین مالی اسلامی مطرح می‌باشد (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۶) و یا حقوقی که در ذیل انواع مختلف عقود مشارکتی و مبادله‌ای برای طرفین مطرح می‌شود، همگی این نتیجه طبیعی را به همراه دارند که سطح نظارت و شفافیت در نظام بانکداری اسلامی به طور داخلی و ذاتی بیش از نظام متعارف است؛ نظامی که شفافیت و نظارت را در خارج از رابطه اقتصادی و از نهادی که نسبت به طرفین عقد بیگانه است (مانند دولت یا نهاد قانون‌گذار) می‌طلبد.

ز. هجوم به بانک

در نظام بانکداری متعارف، اگر در یک بانک، فرد سپرده‌گذار پیش‌بینی کند که سایر سپرده‌گذاران قصد بازپس‌گیری سپرده‌های خود را دارند، این فرد احتمال ورشکستگی آن بانک را داده و همین امر برای وی انگیزه اخذ سپرده‌اش از آن بانک را ایجاد می‌کند. همچنین، در این چارچوب این امکان وجود دارد که مشکلات یک بانک به سایر بانک‌ها و مؤسسات نیز منتقل می‌شود.

اما در نظام بانکداری اسلامی، برخی از عقود بر اساس مشارکت در سود و زیان انجام می‌شوند و لذا در شرایطی که احتمال ورشکستگی بانک برود، رفتار انبوه‌وار افراد در هجوم به بانک کمتر رخ می‌دهد، زیرا با برقراری عقود مشارکتی در بازار مالی، برای سپرده‌گذار امکان بازپس‌گیری سرمایه، در بازار اولیه محدود شده و غالباً این امکان در بازار ثانویه برای وی فراهم می‌شود. از این رو با اطلاع یافتن سپرده‌گذار از وقوع مشکل برای مؤسسه تأمین مالی شده و پیش‌بینی وی مبنی بر ورشکستگی مؤسسه در آینده نزدیک، امکان هجوم به مؤسسه تقلیل یافته و مؤسسه مذکور بهتر می‌تواند با برنامه‌ریزی و مدیریت سرمایه نسبت به گذر از مشکل اقدام نماید، به عبارت دیگر در شرایطی که سرمایه‌گذاری‌ها در حال ضرردهی است، مراجعه سپرده‌گذاران جهت دریافت وجوه خود، به معنی تحمل بخشی از ضرر می‌باشد و لذا سپرده‌گذاران نسبت به انجام این کار انگیزه کم‌تری پیدا می‌کنند. ●